

## بررسی تأثیر آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک‌های عشق‌ورزی زوجین

مسعود صادقی<sup>۱\*</sup>، سیداحمد احمدی<sup>۲</sup>، فاطمه بهرامی<sup>۳</sup>، عذرا اعتمادی<sup>۴</sup>، سیدرضا پورسید<sup>۵</sup>

۱- دکتری مشاوره خانواده و مدرس دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران

Sadeghi41@yahoo.com

۲- استاد مشاوره دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

drahmady@yahoo.com

۳- دانشیار مشاوره دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

Dr.f\_bahrami@edu.ui.ac.ir

۴- استادیار مشاوره دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

etemadiozra@yahoo.com

۵- دانشجوی دکتری روان‌شناسی کودکان استثنایی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

seyed\_reza\_poorsayed@yahoo.com

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک‌های عشق‌ورزی زوجین شهر خرم‌آباد بود. این پژوهش نیمه تجربی از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر خرم‌آباد در سال ۸۹ - ۱۳۸۸ بودند. نمونه پژوهش ۳۰ زوج (۶۰ نفر) بودند که از بین افراد در دسترس انتخاب شده، به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. زوجین گروه آزمایش، به مدت ۸ جلسه تحت آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل قرار گرفتند. در پایان از هر دو گروه، پس‌آزمون به عمل آمد. ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه سبک‌های عشق‌ورزی «لی» بود. نتایج تحلیل کواریانس نشان داد آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک‌های عشق‌ورزی رمانتیک، دوستانه، واقع‌گرایانه، شهوانی و فداکارانه تأثیر دارد ( $p < 0.05$ ) ولی بر سبک عشق‌ورزی بازیگرانه تأثیر ندارد ( $p > 0.05$ ). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل توانسته است که سبک‌های عشق‌ورزی رمانتیک، دوستانه، واقع‌گرایانه، شهوانی، و فداکارانه زوجین را بهبود بخشد.

**واژه‌های کلیدی:** سبک‌های عشق‌ورزی، تحلیل رفتار متقابل، آموزش زوجین.

## مقدمه

یکی از مهمترین روابطی که انسان‌ها در طول زندگی خود ایجاد می‌کنند و انتظار دارند که نیاز روحی آنها را، دوست داشتن و دوست داشته شدن را تأمین کند «عشق» است. عشق بیش از هر موضوع دیگری در ادبیات جهان، در طول تاریخ مطرح شده است. این در نهاد آدمی است که دوست بدارد و دوست داشته شود، عاشق شود و عاشقی داشته باشد (کاکیا، ۱۳۸۶). عشق فریبنده‌ترین هیجان آدمی است. شاعران، ترانه‌سرایان، فیلسوفان و دانشمندان همگی کوشیده‌اند این حالت راز آمیز را توصیف کنند ولی هیچ یک موفق به این کار نشده‌اند. با این همه، ایده عشق رمانتیک هنوز پابرجاست و همه در جستجوی همسری هستند که به تصور آنان، آرمان رمانتیک را تحقق بخشد (برنشتاین و برنشتاین<sup>۱</sup>، ۱۳۸۴).

هر فرد در اعماق روان خود نیاز به شخصی دارد تا او را درک کند و از صمیم دل او را عزیز بدارد، کسی که نیازهای او را بشناسد، به تفاوت‌ها به‌خوبی واقف باشد و کسی که بتواند پاسخ‌گوی مناسبی به نیازهای عاشقانه او باشد (کاکیا، ۱۳۸۶). عشق و محبت از کیفیتی برخوردار است که می‌تواند بسیاری از تنش‌های میان زوجین را محو کرده، بر خودمحوری‌ها سرپوش بگذارد اما چگونه است که چراغ‌های تابان عشق و عاشقی به تدریج کم سو می‌شود و یکی پس از دیگری رنگ می‌بازد؟ چگونه است که کلام «از ازدواجم راضی نیستم» بر زبان‌ها جاری می‌شود (بک<sup>۲</sup>، ۱۳۸۴). عوامل زیادی در روابط عاشقانه خلل وارد می‌آورند، در عین حال، مهارت‌های

زیادی وجود دارند که می‌توانند عشق و حمایت زن و شوهر از یکدیگر را تداوم بخشند. مهارت‌های لازم برای ایجاد و حفظ زندگی زناشویی اثربخش، آموختنی است ولی متأسفانه بسیاری از آنها را به زوجین یاد نمی‌دهند (کارلسون و مایر<sup>۳</sup>، ۱۳۸۷). برای افزایش مهر، عشق، محبت و مهربانی در زندگی هیچ‌گاه دیر نیست کافی است که راه جدیدی یافته شود. انسان‌های این کره خاکی شایسته‌اند که از زندگی مملو از مهر، محبت و عشق برخوردار گردند (کاکیا، ۱۳۸۶). به مرور احساس شیدایی اوایل ازدواج می‌تواند به عشقی بالغانه تبدیل شود. زن می‌تواند از گفتن «دوستت دارم» و شوهر از شنیدن آن لذت ببرند زیرا محبت و جذابیت متقابل در بافت صمیمیت، وفاداری، اعتماد و دوستی به هم گره خورده، عشق قوی‌تر و عمیق‌تری را پایه‌گذاری می‌کند (بک، ۱۳۸۴). بنابراین ایجاد روابط زناشویی سالم، موثر، پر دوام و سرشار از عشق و محبت برای رسیدن به سلامت روانی زوجین، خانواده‌ها و جامعه یک ضرورت اساسی به‌شمار می‌رود.

در زمینه عشق و ازدواج پژوهش‌های زیادی انجام شده است و نظریه پردازان مختلف سعی نموده‌اند با رویکرد خود به معمای عشق پاسخ گویند. روبرت استرنبرگ<sup>۴</sup> یکی از نظریه پردازانی است که در زمینه عشق پژوهش‌هایی انجام داده است. او در سال ۱۹۸۶ عشق را مرکب از سه جزء صمیمیت، شور و شهوت و تعهد معرفی کرد. ترکیبات مختلف این سه جزء انواع مختلف عشق را به‌وجود می‌آورد. طبق این نظریه آن دسته از زوج‌هایی که مثلث‌های همسانی

<sup>3</sup> Carlson & Meyer<sup>4</sup> Robert J. Sternberg<sup>1</sup> Bornstein, F.H & Bornstein, M.T<sup>2</sup> Beck, A.T

امروزه بیشتر روان‌شناسان معتقدند که عشق، واکنشی آموختنی و احساسی فراگرفتنی است یعنی هر آدمی عشق را با توجه به آموخته‌ها، باورها، شرطی‌ها و محدودیت‌هایش می‌شناسد و سپس تجربه می‌کند. بنابراین محیط تأثیر عمیقی بر سبک و روش عشق‌ورزی دارد (کاکیا، ۱۳۸۶).

سبک‌های عشق‌ورزی اشاره به این امر دارد که چگونه افراد عشق را تعریف می‌کنند یا عشق‌ورزی می‌کنند (هندریک و هندریک<sup>۳</sup>، ۱۹۸۶). افراد برای عشق‌ورزیدن نسبت به همسر خود از یک سبک و روش خاصی استفاده می‌کنند و این سبک متأثر از ارتباط متقابل و مداوم بین زن و شوهر و تعبیری است که از محیط زندگی خود دارند. از مهمترین نظریه‌هایی که به تبیین انواع عشق می‌پردازد، نظریه شش بعدی «لی»<sup>۴</sup> است. لی بر اساس برآوردهای به‌دست آمده از ایالات متحده، کانادا و بریتانیا شش نوع عشق‌ورزی را بیان می‌کند (نتو<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷)

۱- عشق رمانتیک<sup>۶</sup> ۲- عشق رفاقتی<sup>۷</sup> ۳- عشق بازیگرانه<sup>۸</sup> ۴- عشق شهوانی<sup>۹</sup> ۵- عشق واقع‌گرایانه<sup>۱۰</sup> ۶- عشق همراه با از خودگذشتگی<sup>۱۱</sup> (کونکل و بورلسون<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۳، کرامر و همکاران<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۵).

دارند میزان رضایت زناشویی آن‌ها بیشتر است. استرنبرگ با انتقاد از نظریه مثلث عشق در سال ۱۹۹۴ نظریه جدیدی را مطرح نمود، تحت عنوان «عشق به مثابه قصه». در این نظریه فرض بر این است که هر فردی گرایش دارد عاشق کسی شود که قصه‌اش با او یکی یا مشابه باشد اما نقش این شخص در قصه، مکمل نقش خود اوست و بدین ترتیب، این شخص از جهاتی مثل خود اوست و از جنبه‌هایی بالقوه متفاوت است. اگر از سر اتفاق عاشق کسی شود که قصه‌ای کاملاً متفاوت دارد، آن وقت است که هم رابطه آنان و هم عشقی که زیر ساخت این رابطه است، وضعیتی متزلزل پیدا می‌کند. از طرفی شواهد و یافته‌های وی و همکارانش (۱۹۹۵، ۱۹۹۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳) نشان داده است که وقتی دو همسر قصه‌های مشابه و همسانی دارند رابطه آنها دوام بیشتری دارد و سطح رضامندی آنان از زندگی زناشویی خویش بالاتر است (کرمی و علایی کلجاهی، ۱۳۸۷).

اریک فروم<sup>۱</sup> که به پدر عشق معروف است، عشق را پاسخی به مسأله وجودی انسان می‌داند. او در تعریف عشق گفت؛ عشق عبارت از رغبت جدی به زندگی و پرورش آن چیزی است که بدان مهر می‌ورزند. دلسوزی، توجه، احساس مسئولیت، احترام و شناخت با هم مرتبط هستند و ابعاد عشق را می‌سازند (کرمی و علایی کلجاهی، ۱۳۸۷). الین هاتفیلد<sup>۲</sup> با تأکید بر هیجان، عشق را به صورت تمایل شدید و مدت‌دار برای پیوند با دیگری بیان می‌کرد که حالتی از برانگیختگی عمیق فیزیولوژیک دارد (هاتفیلد، ۱۹۸۸).

<sup>3</sup> Hendrick & Hendrick

<sup>4</sup> Lee

<sup>5</sup> Neto

<sup>6</sup> Eros

<sup>7</sup> Storge

<sup>8</sup> Ludus

<sup>9</sup> mania

<sup>10</sup> paragma

<sup>11</sup> agape

<sup>12</sup> Kunkel & Burleson

<sup>13</sup> Cramer etal

<sup>1</sup> Erich fromm

<sup>2</sup> Hatfiled



جدول ۱. انواع سبک‌های عشق ورزی از دیدگاه «لی»

انواع عشق	نام یونانی	توصیف
عشق رمانتیک	اروس	میل فیزیکی شدید به معشوق.
عشق رفاقتی	استورج	صمیمیتی لذت‌بخش که به آهستگی رشد می‌کند و به طرفین گسترش می‌یابد و به تدریج طرفین زوایای وجودی خود را بیشتر برای دیگری فاش کنند.
عشق بازیگرانه	لودوس	عشق به عنوان یک تفریح تلقی شده و هیچ تعهدی در آن نیست، وضعیتی که مانند «شرکت در یک بازی» تلقی می‌شود. معمولاً کوتاه مدت است و به زودی تمام می‌شود.
عشق شهوانی	مانیا	حالت شدید هیجانی با حسادت، عشق همراه با مشغولیت ذهنی که باعث می‌شود شخص عصبی شده و از طرد شدن بترسد.
عشق واقع‌گرایانه	پراگما	عشق منطقی که در آن شریک رابطه، براساس نیازهای شخص و همخوانی با سن، مذهب، سوابق و شخصیت انتخاب می‌شود. در این حال رضایت خاطر بیشتر از هیجان و تحریک وجود دارد.
عشق همراه با از خودگذشتگی	آجاب	عشق غیرشرطی، همراه با مراقبت از معشوق، انعطاف‌پذیری و بخشندگی، در این عشق، خود را فدا کردن وجود دارد.

۲۰۰۴)، خود تسکینی (کرامر و همکاران<sup>۷</sup> ۲۰۰۵)، مهارت‌های ارتباطی (کانکل و بورلسون، ۲۰۰۳)، کیفیت زندگی (اندرو<sup>۸</sup>، ۲۰۰۰)، و کیفیت روابط زناشویی (نیلسون<sup>۹</sup>، ۲۰۰۵) را نشان داده‌اند. همچنین یافته‌های پژوهش نوری و جان بزرگی (۱۳۹۰) نشان داد که توان پیش‌بینی ازدواج از طریق انواع عشق وجود دارد.

عشق پلی است که می‌تواند روابط زناشویی را به هم نزدیک کرده، آنرا استحکام بخشد. زوجین برای اینکه زندگی موفق و سرشار از عشق و محبت داشته باشند، نیاز به برقراری ارتباطی صحیح دارند. یکی از نظریه‌هایی که در بهبود روابط انسانی

با استفاده از مقیاس سبک‌های عشق ورزی هندریک و هندریک (۱۹۸۶) که براساس نظریه لی ساخته شده، مطالعات زیادی در فرهنگ‌های مختلف صورت گرفته که نتایج آنها ارتباط سبک‌های عشق ورزی را با کیفیت روابط زناشویی (کانکل و بورلسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳؛ تائو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵؛ گنزاگه و همکاران<sup>۳</sup> ۲۰۰۶)، رضایتمندی زوجی (فینچ<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹)، سبک دلبستگی (گنزاگه و همکاران، ۲۰۰۶؛ کانمازا و همکاران<sup>۵</sup> ۲۰۰۴)، نحوه تعامل و ارتباط زناشویی (لوین<sup>۶</sup>، ۲۰۰۶)، خودشیفتگی و فردگرایی (تائو، ۲۰۰۵)، تجربه‌های رمانتیک (کانمازا و همکاران،

<sup>1</sup> Kunkel & Burleson

<sup>2</sup> Thao

<sup>3</sup> Gonzaga et al

<sup>4</sup> Finch

<sup>5</sup> Kanemasa et al

<sup>6</sup> Levine

<sup>7</sup> Cramer et al

<sup>8</sup> Andrew

<sup>9</sup> Nielson

این سه حالت ایگویی صادر می‌شود. جوهر تحلیل رفتار متقابل تحلیل همین محرک‌ها و پاسخ‌هاست (استوارت و جونز<sup>۶</sup>، ۱۳۸۷).

به نظر برن (۱۹۸۹) تحلیل روابط اصولاً در روابط و زناشویی و پیوندهای اجتماعی کاربرد دارد. در این موقعیت‌ها، تحلیل روابط می‌تواند پیش‌بینی‌ها و بازنگری‌های مفید و قانع‌کننده‌ای را به دست دهد. در تحلیل روابط بیشتر به روابط انسان‌ها با یکدیگر توجه می‌شود و اعتقاد بر این است که اگر افراد روابطی سالم، مثبت و رضایت‌بخش با یکدیگر داشته باشند و آن را جایگزین روابط تخریبی، منفی و تحقیرآمیز نمایند، قادر خواهند بود که از فشارهای روانی خود و دیگران بکاهند و از زندگی خود لذت بیشتری ببرند (برن، ۱۳۸۸). پژوهش‌هایی، اثر بخشی تحلیل رفتار متقابل را بر کاهش تعارضات زناشویی (سلامت، ۱۳۸۴)، سازگاری زناشویی (دانش، ۱۳۸۵)، رضایت زناشویی (ترکان، ۱۳۸۵)، شیوه‌های رویایی با استرس (فرهنگی و آقا محمدیان، ۱۳۸۵)، خود پنداره (صادقی و همکاران، ۱۳۸۸)، پیدایش عقاید مثبت‌تر در زمینه روابط با کارمندان (جنسنس<sup>۷</sup>، ۱۹۷۵)، در جلوگیری از افزایش تعارض و خشونت (گری<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶) و بر توسعه مهارت‌های ارتباطی، درک دیگران و خود ابرازی (محمدی و همکاران، ۲۰۱۰) نشان داده‌اند. همچنین کچه جی و تاشوکاک<sup>۹</sup> (۲۰۰۹)، در پژوهشی به بررسی حالت‌های من اعضای

کاربردهای مؤثری دارد، نظریه تحلیل رفتار متقابل<sup>۱</sup> است. تحلیل رفتار متقابل یکی از ملموس‌ترین نظریه‌های روان‌شناسی نوین است. این نظریه که توسط اریک برن<sup>۲</sup> مطرح شد، با سازه‌های «والد<sup>۳</sup>، بالغ<sup>۴</sup>، کودک<sup>۵</sup>» آن، در امور بالینی، درمانی، سازمانی و در روان‌شناسی رشد، ارتباطات، مدیریت، شخصیت و روابط و رفتار بسیار کاربرد دارد (فیروزبخت، ۱۳۸۴).

تحلیل رفتار متقابل نظریه‌ای است در مورد شخصیت و روش منظمی است برای روان‌درمانی به منظور رشد و تغییرات شخصی این تعریفی است که به وسیله انجمن بین‌المللی تحلیل رفتار متقابل ارائه شده است. تحلیل رفتار متقابل به عنوان نظریه شخصیت، تصویری از ساختار روان‌شناسی انسان‌ها به ما ارائه می‌دهد. بدین منظور از یک الگوی سه بخشی به عنوان الگوی حالات نفسانی خود استفاده می‌کند. همین الگوی شخصیتی به ما کمک می‌کند تا دریابیم انسان‌ها چگونه عمل و رفتار می‌کنند و این که چگونه شخصیت خود را در قالب رفتارهایشان آشکار می‌سازند.

افراد با یکی از سه حالت ایگویی والد، بالغ و یا کودکشان، با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند. البته این که با کدام یک از آن‌ها ارتباط برقرار کنند، به احساس آن‌ها در لحظه مورد نظر بستگی دارد. ضمن این‌که در هر لحظه عاملی می‌تواند افراد را از حالتی به حالت دیگر ببرد. پاسخ‌های افراد نیز توسط یکی از

<sup>۶</sup> Stewart & Joines

<sup>۷</sup> Jesness

<sup>۸</sup> Gary

<sup>۹</sup> Kececi & Tasocak

<sup>۱</sup> Transactional Analysis

<sup>۲</sup> Eric Berne

<sup>۳</sup> Parent ego state

<sup>۴</sup> Adult ego state

<sup>۵</sup> Child ego state

دانشکده پرستاری با استفاده از رویکرد تحلیل رفتار متقابل پرداختند. در این پژوهش از رویکرد تحلیل رفتار متقابل استفاده شد تا روابط بین دانشکده و دانشجویان را در تربیت پرستار، بررسی کنند. نتایج نشان داد که اعضای دانشکده احساس می‌کنند که بیشتر از حالت من بالغ استفاده کرده و از حالت من والد منتقد در کمترین حد ممکن استفاده می‌کنند. دانشجویان نیز نظرشان این بود که اعضای دانشکده از حالت من بالغ در بیشترین و از حالت من کودک آزاد در کمترین حد استفاده می‌کنند.

نظر به اینکه اشکال در چگونگی عشق ورزیدن از مسائل مهم مورد شکایت زوج‌هاست و از طرفی اشکال در عشق ورزیدن با بسیاری از شکایت‌های متداول مانند: عدم تفاهم، توجه ناکافی به یکدیگر، ناخشنودی از یکدیگر، اشکال درگوش دادن، اشکال در حل مسأله، لذت نبردن از زندگی و... و در نهایت عدم رضایت زناشویی ارتباط پیدا می‌کند. به همین منظور پژوهش حاضر به دنبال بررسی اثربخشی آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک‌های عشق ورزی زوجین شهر خرم آباد است.

### روش تحقیق

روش پژوهش حاضر نیمه تجربی است و از نوع پیش‌آزمون پس‌آزمون با گروه کنترل است و در هر دو گروه از دو جنس زن و مرد استفاده شده است. آزمودنی‌ها از بین افراد در دسترس انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و

کنترل جایگزین شدند. متغیر مستقل، آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بود که در ۸ جلسه تدوین و تنظیم شده، به گروه آزمایش آموزش داده شد. در گروه کنترل هیچ متغیر مستقلی اعمال نشد. متغیر وابسته در این طرح سبک‌های عشق ورزی زوجین بودند که برای به دست آوردن نمرات زوجین و تاثیر متغیر مستقل از میانگین نمرات زن و شوهر استفاده شد. هر دو گروه با پیش‌آزمون و پس‌آزمون ارزیابی شدند، مرحله پیگیری نیز بعد از مدت یک ماه انجام گرفت.

جامعه آماری: جامعه آماری در این پژوهش زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر خرم آباد در سال ۸۹-۱۳۸۸ بودند.

نمونه و روش نمونه‌گیری: نمونه این پژوهش ۳۰ زوج (۶۰ زن و مرد) بودند که از بین افراد در دسترس و داوطلب انتخاب شدند. برای انجام این کار ابتدا اطلاعیه در مراکز مشاوره شهر خرم آباد برای آگاهی یافتن زوجین علاقمند به شرکت در دوره آموزشی نصب شد و پس از توضیح در مورد اهداف آموزشی از زوجین متقاضی ثبت نام به عمل آمد. پس از ثبت نام، زوجین واجد شرایط انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (هر گروه ۱۵ زوج) جایگزین شدند.

شرایط آزمودنی‌ها این بود که حداقل ۲ سال از ازدواج آنها گذشته باشد و دارای حداقل مدرک تحصیلی دیپلم بوده و سن آنها بین ۲۰ تا ۴۵ سال

باشد. شرایط خروجی، داشتن مشکلات حاد روانی

## ابزار پژوهش

پرسشنامه سبک‌های عشق‌ورزی: پرسشنامه سبک‌های عشق‌ورزی «لی» توسط هندریک و هندریک در سال ۱۹۸۶ ساخته شد. فرم بلند آن شامل ۴۲ سوال (هر سبک ۷ سوال)، در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. پژوهش‌های مختلف حاکی از آنند که این پرسشنامه از روایی بسیار خوبی برخوردار است (هندریک و هندریک، ۱۹۸۹؛ لوی و دیویس، ۱۹۸۸؛ ریچاردسون و همکاران، ۱۹۸۸). در پژوهش هندریک و هندریک (۱۹۸۶، ۱۹۸۹)، پایایی از ۰/۶۸ برای سبک عشق‌ورزی استورج تا ۰/۷۳ برای سبک عشق‌ورزی آچاپ و در پژوهش کونکل و بورلسون (۲۰۰۳)، ضریب پایایی از ۰/۶۹ تا ۰/۸۲ بود، اروس ۰/۷۱، لودوس ۰/۶۹، استورج ۰/۷۵، پراگما ۰/۷۸، مانیا ۰/۷۴، و آچاپ ۰/۸۲ به دست آمد. بر اساس پژوهش بیات (۱۳۸۶)، ابتدا این پرسشنامه ترجمه گردید و ترجمه آن مورد تأیید ۵ نفر از مترجمان قرار گرفت. روایی محتوایی آن توسط پنج نفر از

یکی از زوجین بود.

متخصصین مشاوره خانواده در دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان تأیید شد و سپس بر روی ۶۰ نفر نمونه به صورت مقدماتی اجرا گردید.

آلفای کرونباخ آن در سبک عشق‌ورزی رمانتیک ۰/۷۹، در سبک عشق‌ورزی بازیگرانه ۰/۶۸، در سبک عشق‌ورزی دوستانه ۰/۷۲، در سبک عشق‌ورزی واقع‌گرایانه ۰/۷۲، در سبک عشق‌ورزی شهوانی ۰/۷۲ و در سبک عشق‌ورزی فداکارانه ۰/۹۳ به دست آمد (بیات، ۱۳۸۶). در این پژوهش نیز ضریب پایایی از ۰/۷۱ برای استورج تا ۰/۸۲ برای آچاپ به دست آمد.

پاسخ‌های پرسشنامه بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای طیف لیکرت (از کاملاً مخالفم، تا کاملاً موافقم) تنظیم شده، و به کاملاً مخالفم نمره ۱ و برای کاملاً موافقم نمره ۵ تعلق دارد.

ابزار تجزیه و تحلیل: داده‌ها با آمار توصیفی؛ جداول، میانگین و انحراف معیار توصیف و با روش تحلیل کواریانس و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

<sup>1</sup> Levy & Davis

<sup>2</sup> Richardson et al



یافته‌های پژوهش:

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار نمرات پیش آزمون، پس آزمون و آزمون پیگیری گروه آزمایش و کنترل در سبک‌های عشق ورزی

سبک عشق ورزی	مرحله	گروه	مردان		زنان		کل	
			میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
	پیش آزمون	آزمایش	۲۴/۴۰	۲۴/۴۰	۲۴/۲۷	۲۴/۲۷	۲۴/۳۳	۲۴/۳۳
		کنترل	۲۵/۸۳	۲۵/۸۳	۲۲/۶۷	۲۲/۶۷	۲۴/۲۰	۲۴/۲۰
رمانتیک	پس آزمون	آزمایش	۲۷/۵۳	۲۸/۲۷	۲۷/۴۷	۲۶/۶۱	۲۷/۵۰	۲۷/۲۶
		کنترل	۲۶/۲۰	۲۵/۴۶	۲۳/۴۷	۲۴/۳۱	۲۴/۸۳	۲۵/۰۷
	پیگیری	آزمایش	۲۸/۲۰	۲۸/۹۰	۲۴/۹۳	۲۳/۹۷	۲۶/۵۷	۲۶/۳۶
		کنترل	۲۶/۶۷	۲۵/۹۶	۲۳	۲۳/۹۶	۲۴/۸۳	۲۵/۰۳
	پیش آزمون	آزمایش	۲۳	۲۳	۱۹/۸۷	۱۹/۸۷	۲۱/۴۳	۲۱/۴۳
		کنترل	۲۲/۶۷	۲۲/۶۷	۲۱/۴۰	۲۱/۴۰	۲۲/۰۳	۲۲/۰۳
بازیگرانه	پس آزمون	آزمایش	۲۱/۸۰	۲۱/۶۵	۲۰/۴۰	۲۱/۲۸	۲۱	۲۱/۴۸
		کنترل	۲۱/۴۷	۲۱/۶۱	۲۰/۸۷	۱۹/۹۸	۲۱/۱۷	۲۰/۷۸
	پیگیری	آزمایش	۲۱/۲۷	۲۱/۴۱	۲۰/۸۷	۲۱/۳۰	۲۱/۰۷	۲۱/۳۴
		کنترل	۲۱/۸۷	۲۱/۸۲	۲۱/۲۰	۲۰/۷۶	۲۱/۵۳	۲۱/۲۵
	پیش آزمون	آزمایش	۲۳/۳۳	۲۳/۳۳	۲۳/۲۰	۲۳/۲۰	۲۳/۲۷	۲۳/۲۷
		کنترل	۱۹/۸۰	۱۹/۸۰	۲۲/۷۳	۲۲/۷۳	۲۱/۲۷	۲۱/۲۷
دوستانه	پس آزمون	آزمایش	۲۶/۶۰	۲۵/۵۱	۲۷/۷۳	۲۷/۲۸	۲۷/۱۷	۲۶/۲۵
		کنترل	۱۹/۹۳	۲۱/۰۱	۲۳/۲۰	۲۳/۶۵	۲۱/۵۷	۲۲/۴۸
	پیگیری	آزمایش	۲۶/۹۳	۲۵/۹۶	۲۷/۶۷	۲۶/۹۹	۲۷/۳۰	۲۶/۳۸
		کنترل	۲۰/۴۰	۲۱/۳۷	۲۲/۸۰	۲۳/۴۷	۲۱/۶۰	۲۲/۵۱
	پیش آزمون	آزمایش	۲۷/۲۷	۲۷/۲۷	۲۴/۸۷	۲۴/۸۷	۲۶/۰۷	۲۶/۰۷
		کنترل	۲۵/۳۳	۲۵/۳۳	۲۸/۴۰	۲۸/۴۰	۲۶/۸۷	۲۶/۸۷
واقع‌گرایانه	پس آزمون	آزمایش	۳۲/۷۳	۳۲/۲۰	۲۹/۰۷	۳۱/۰۱	۳۰/۹۰	۳۱/۴۱
		کنترل	۲۶/۶۰	۲۷/۱۲	۲۷/۱۳	۲۵/۱۸	۲۶/۸۷	۲۶/۳۵
	پیگیری	آزمایش	۳۲/۲۷	۳۲/۱۰	۳۰/۴۰	۳۱/۹۶	۳۱/۳۳	۳۱/۷۶
		کنترل	۲۷/۸۷	۲۸/۰۳	۲۸/۳۳	۲۶/۶۶	۲۸/۱۰	۲۷/۶۷
	پیش آزمون	آزمایش	۲۴/۷۳	۲۴/۷۳	۲۶/۴۷	۲۶/۴۷	۲۵/۶۰	۲۵/۶۰
		کنترل	۲۵/۸۷	۲۵/۸۷	۲۸/۲۰	۲۸/۲۰	۲۷/۰۳	۲۷/۰۳
شهوانی	پس آزمون	آزمایش	۲۳/۳۳	۲۳/۷۶	۲۴/۵۳	۲۴/۶۶	۲۳/۹۳	۲۴/۲۴
		کنترل	۲۴/۸۳	۲۴/۲۹	۲۸/۲۰	۲۸/۰۷	۲۶/۴۷	۲۶/۱۵
	پیگیری	آزمایش	۲۳/۶۰	۲۴/۱۶	۲۴/۵۳	۲۴/۹۰	۲۶/۶۷	۲۴/۴۳
		کنترل	۲۸/۲۰	۲۶/۰۹	۲۸/۲۰	۲۷/۸۴	۲۷/۰۶	۲۷/۰۶
	پیش آزمون	آزمایش	۲۸/۶۷	۲۸/۶۷	۲۹/۰۷	۲۹/۰۷	۲۸/۸۷	۲۸/۸۷
		کنترل	۲۵/۲۷	۲۵/۲۷	۲۷/۴۰	۲۷/۴۰	۲۶/۳۳	۲۶/۳۳
فداکارانه	پس آزمون	آزمایش	۲۶/۴۷	۲۷/۷۱	۲۸/۰۷	۲۸/۴۶	۲۷/۲۷	۲۷/۹۹
		آزمایش	۲۴/۵۳	۲۳/۰۱	۲۴/۴۷	۲۴/۰۱	۲۴/۵۰	۲۳/۵۷
	پیگیری	کنترل	۲۶/۹۳	۲۸/۴۵	۲۸/۶۰	۲۹/۰۵	۲۷/۷۷	۲۸/۶۸

نتایج آزمون لوین، پیش‌فرض برابری واریانس‌های نمرات در دو گروه آزمایش و کنترل نشان داد که در همه شش نوع سبک عشق‌ورزی؛ رمانتیک، بازیگرانه، دوستانه، واقع‌گرایانه، شهوانی و فداکارانه، سطح معناداری بزرگ‌تر از  $0/05$  ( $p > 0/05$ ) به دست آمد که بر آن دلالت دارد که بین دو گروه تفاوت معناداری نیست. بنابراین فرض صفر یعنی فرض برابری واریانس‌ها پذیرفته می‌شود و جهت تحلیل داده‌ها می‌توان از آزمون تحلیل کواریانس استفاده شود.

همان‌گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، میانگین نمرات زوجین گروه آزمایش در پس‌آزمون و آزمون پیگیری نسبت به پیش‌آزمون در سبک‌های عشق‌ورزی رمانتیک، دوستانه و واقع‌گرایانه تفاوت چشمگیری داشته و بزرگ‌تر از میانگین نمرات زوجین گروه کنترل شده است ولی در سبک‌های عشق‌ورزی شهوانی و فداکارانه نمرات زوجین در پس‌آزمون و پیگیری نسبت به پیش‌آزمون کاهش یافته و در سبک عشق‌ورزی بازیگرانه نیز نمرات زوجین در پس‌آزمون و آزمون پیگیری نسبت به پیش‌آزمون تفاوت چشمگیری مشاهده نمی‌شود.

جدول ۳. نتایج تحلیل کواریانس در مورد تأثیر آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک‌های عشق‌ورزی

سبک عشق‌ورزی	عشق منبع	مرحله	مجموع مجذورات آزادی	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	p	مجذورات	توان آزمون
رمانتیک	گروه	پس آزمون	۹۷/۶۷	۱	۹۷/۶۷	۳۸/۹۶	۰/۰۰۱	۰/۴۱	۰/۹۹
		پیگیری	۳۸/۸۷	۱	۳۸/۸۷	۱۱/۰۵	۰/۰۰۲	۰/۱۶	۰/۹۹
بازیگرانه	گروه	پس آزمون	۲/۲۰	۱	۲/۲۰	۱/۵۵	۰/۲۲	۰/۰۳	۰/۲۳
		پیگیری	۰/۱۸	۱	۰/۱۸	۰/۰۸	۰/۷۷	۰/۰۱	۰/۰۶
دوستانه	گروه	پس آزمون	۲۱۱/۹۸	۱	۲۱۱/۹۸	۹۱/۱۱	۰/۰۰۱	۰/۶۲	۰/۹۹
		پیگیری	۲۳۸/۴۹	۱	۲۳۸/۴۹	۹۴/۳۷	۰/۰۰۱	۰/۶۲	۰/۹۹
واقع‌گرایانه	گروه	پس آزمون	۲۹۷/۲۸	۱	۲۹۷/۲۸	۹۰/۴۷	۰/۰۰۱	۰/۶۱	۰/۹۹
		پیگیری	۱۸۹/۲۰	۱	۱۸۹/۲۰	۸۱/۶۵	۰/۰۰۱	۰/۵۹	۰/۹۹
شهوانی	گروه	پس آزمون	۲۸/۹۱	۱	۲۸/۹۱	۹/۶۱	۰/۰۰۳	۰/۱۴	۰/۸۶
		پیگیری	۸۰/۰۷	۱	۸۰/۰۷	۳۵/۷۶	۰/۰۰۱	۰/۳۷	۰/۹۹
فداکارانه	گروه	پس آزمون	۲۸۵/۸۶	۱	۲۸۵/۸۶	۱۲۶/۶۸	۰/۰۰۱	۰/۶۹	۰/۹۹
		پیگیری	۳۳۸/۷۰	۱	۳۳۸/۷۰	۱۶۰/۶۷	۰/۰۰۱	۰/۷۴	۰/۹۹

معناداری گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل داشته است. بنابراین در این پژوهش فرضیه ۴ تأیید شد.

فرضیه ۵: آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک عشق‌ورزی شهوانی زوجین موثر است. بنابر نتایج جدول (۳)،  $F$  مشاهده شده در سبک عشق‌ورزی شهوانی در پس آزمون ( $p=0/003$ )، و آزمون پیگیری ( $p=0/001$ )، معنادار است و نشان می‌دهد که تفاوت معناداری گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل داشته است. بنابراین در این پژوهش فرضیه ۵ تأیید شد.

فرضیه ۶: آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک عشق‌ورزی فداکارانه زوجین موثر است. بنابر نتایج جدول (۳)،  $F$  مشاهده شده در سبک عشق‌ورزی فداکارانه در پس آزمون و پیگیری ( $p=0/001$ )، معنادار بوده و نشان می‌دهد که تفاوت معناداری گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل داشته است. بنابراین در این پژوهش فرضیه ۶ تأیید شد.

بنابراین آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک‌های عشق‌ورزی رمانتیک، دوستانه، واقع‌گرایانه، شهوانی و فداکارانه گروه آزمایش مؤثر بوده و این آموزش موجب بهبود این سبک‌های عشق‌ورزی در زوجین شده است ولی آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک عشق‌ورزی بازیگرانه گروه آزمایش مؤثر نبوده است.

مجذور اتاهای به دست آمده نشان می‌دهد که تفاوت‌ها در واریانس نمرات پس آزمون و نمرات مرحله پیگیری سبک‌های عشق‌ورزی در گروه آزمایش در نتیجه آموزش تحلیل رفتار متقابل بوده است. توان آزمون  $0/86$  و  $0/99$  نیز حاکی از کفایت حجم نمونه می‌کند.

فرضیه‌های پژوهش به تفکیک مطرح و نتایج مربوط به آنها ارائه می‌شود:

فرضیه ۱: آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک عشق‌ورزی رمانتیک زوجین موثر است. بنابر نتایج جدول (۳)،  $F$  مشاهده شده در سبک عشق‌ورزی رمانتیک، در پس آزمون ( $p=0/001$ )، و آزمون پیگیری ( $p=0/002$ )، معنادار بوده، نشان می‌دهد که تفاوت معناداری گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل داشته است. بنابراین در این پژوهش فرضیه ۱ تأیید شد.

فرضیه ۲: آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک عشق‌ورزی بازیگرانه زوجین موثر است. بنابر نتایج جدول (۳)،  $F$  مشاهده شده در سبک عشق‌ورزی بازیگرانه در پس آزمون و پیگیری معنی‌دار است و نشان می‌دهد که بین گروه آزمایش و کنترل در دو مرحله پس آزمون و پیگیری تفاوت معناداری وجود نداشته است. بنابراین در این پژوهش فرضیه ۲ تأیید نشد.

فرضیه ۳: آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک عشق‌ورزی دوستانه زوجین موثر است. بنابر نتایج جدول (۳)،  $F$  مشاهده شده در سبک عشق‌ورزی دوستانه، در پس آزمون و پیگیری ( $p=0/001$ )، معنادار بوده و نشان می‌دهد که تفاوت معناداری گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل داشته است. بنابراین در این پژوهش فرضیه ۳ تأیید شد.

فرضیه ۴: آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک عشق‌ورزی واقع‌گرایانه زوجین موثر است. بنابر نتایج جدول (۳)،  $F$  مشاهده شده در سبک عشق‌ورزی واقع‌گرایانه در پس آزمون و پیگیری ( $p=0/001$ )، معنادار بوده و نشان می‌دهد که تفاوت

## بحث و نتیجه

بر اساس یافته‌های این پژوهش، آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک‌های عشق‌ورزی رمانتیک، دوستانه، واقع‌گرایانه، شهوانی و فداکارانه زوجین مؤثر بوده و این شیوه آموزشی باعث بهبود این سبک‌های عشق‌ورزی شده است. با توجه به بررسی پژوهش‌های انجام گرفته در داخل و خارج از کشور، پژوهشی که اثربخشی تحلیل رفتار متقابل را بر روی سبک‌های عشق‌ورزی زوجین بررسی نماید، یافت نشد؛ لذا نتایج این پژوهش با پژوهش‌هایی که متغیرهایی مشابه دارند، مورد مقایسه قرار می‌گیرد. یافته‌های این پژوهش در سبک عشق‌ورزی رمانتیک با نتایج پژوهش بیات (۱۳۸۶) که نشان داد ایماگوتراپی بر سبک عشق‌ورزی رمانتیک مؤثر است، همسو و در سبک‌های عشق‌ورزی دوستانه، واقع‌گرایانه، شهوانی، و فداکارانه با نتایج مشابه در پژوهش بیات (۱۳۸۶) که نشان داد ایماگوتراپی بر سبک‌های عشق‌ورزی دوستانه، واقع‌گرایانه، شهوانی و فداکارانه زوجین معنادار نیست، ناهمخوان است. و با توجه به نتایج این پژوهش آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک عشق‌ورزی بازیگرانه زوجین در سطح ۰/۰۵ در مرحله پس آزمون ( $P=0/22$ ) و آزمون پیگیری ( $P=0/77$ ) مؤثر نبوده است. این نتیجه با نتیجه مشابه آن در پژوهش بیات (۱۳۸۶) که نشان داد ایماگوتراپی بر سبک عشق‌ورزی بازیگرانه زوجین معنادار نبود، همخوانی دارد.

همچنین یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های سلامت (۱۳۸۴)، دانش (۱۳۸۵)، ترکان

(۱۳۸۵)، فرهنگی و آقامحمدیان (۱۳۸۵)، صادقی و همکاران (۱۳۸۸)، جنسنس (۱۹۷۵)، گری (۲۰۰۶)، و محمدی و همکاران (۲۰۱۰)، مبنی بر اثر بخشی تحلیل رفتار متقابل بر کاهش تعارضات زناشویی، سازگاری زناشویی، رضایت زناشویی، شیوه‌های رویایی با استرس، بر خود پنداره، پیدایش عقاید مثبت‌تر در زمینه روابط با کارمندان، جلوگیری از افزایش تعارض و خشونت و بر توسعه مهارت‌های ارتباطی، درک دیگران و خود ابرازی همسو است.

در مورد دلایل اثربخشی این شیوه آموزشی بر سبک‌های عشق‌ورزی می‌توان بیان نمود با توجه به این که آموزه‌های تحلیل رفتار متقابل در مورد انواع نوازش‌های مثبت و کارآمد، از آن جمله گوش دادن فعال و پرهیز از سرزنش و نوازش‌های منفی، به‌علاوه تسهیل صمیمیت از طریق بیان احساسات اصیل خود با آگاهی «بالغ» و پذیرش خود و طرف مقابل، با اتخاذ وضعیت سالم «من خوب هستم- تو خوب هستی» و گریز از بازی‌های روانی، همگی می‌تواند منجر به افزایش صمیمیت، جاذبه، علاقه و میل فیزیکی بیشتر در زوجین شوند. از طرفی در شیوه تحلیل رفتار متقابل بر لزوم رابطه با دیگران بر اساس واقعیات و نیز در نظر گرفتن افراد به‌صورت واقعی و منحصر به فردشان و ایجاد نیت‌ها و انگیزه‌های مثبت نسبت به یکدیگر تأکید می‌شود. همچنین مباحث این شیوه آموزشی می‌تواند به اجتناب زوجین از روابط نهفته و پنهانی نامناسب و استفاده از شیوه‌های ارتباط مکمل، از وقوع واکنش‌هایی مبتنی بر وضعیت‌های ناسالم زندگی جلوگیری نماید. به نظر برن (۱۹۸۹) هدف تحلیل رفتار متقابل ایجاد رابطه‌ای باز و توأم با

در جامعه ایرانی که در حال رشد و توسعه است کیفیت بعد عاطفی رابطه زناشویی از هر چیز مهم‌تر می‌نماید. لذا با توجه به مطالب مطرح شده، اهمیت این شیوه آموزشی مشخص می‌گردد چرا که نه تنها می‌تواند منجر به سبک‌های عشق ورزیدن مناسب و موثر بین زوجین گردد بلکه منجر به رفع بسیاری از تعارضات زناشویی و بالتبع کاهش میزان طلاق و فراتر از آن می‌تواند به ارتقا کیفیت زندگی و افزایش میزان رضایت‌مندی زوجین شود.

### پیشنهادات پژوهشی

۱- اثر بخشی این شیوه آموزشی در زوجین دارای تحصیلات پایین‌تر از دیپلم و خارج از طیف سنی ۲۰-۴۵ مورد بررسی قرار گیرد و نتایج با هم مقایسه شود.

۲- از سایر شیوه‌های آموزشی در بهبود سبک‌های عشق ورزی و مقایسه آن‌ها با نتایج این پژوهش استفاده شود.

۳- اثر بخشی شیوه تحلیل رفتار متقابل در بهبود تعاملات بین فردی در محیط‌های مختلف آموزشی (نظیر مدارس و دانشگاه‌ها)، درمانی (بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی)؛ سازمان‌ها، نهادها و ادارات مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

### پیشنهادات کاربردی

۱- استفاده از آموزه‌های تحلیل رفتار متقابل در مراکز مشاوره قبل از ازدواج برای مجهز ساختن زوجین به مهارت‌های ارتباطی مناسب و رضایت بخش.

۲- به کارگیری این شیوه آموزشی در کنار سایر شیوه‌های آموزشی و درمانی برای درمان زوجین

اعتماد و خلوص است. لذا می‌توان انتظار داشت که آموزه‌های تحلیل رفتار متقابل در زمینه ایجاد جو صمیمانه و گریز از بازی‌های روانی و خصوصاً پرهیز از ارائه نوازش‌های منفی و سرزنش بتواند مانع از احساس سوء نیت از جانب همسران گردد و زوجین بتوانند یکدیگر را به صورت انسان‌های واقعی در نظر گرفته و نیازهای همدیگر را درک نمایند و با اجتناب از رفتارهای تعصب آمیز و توهم‌آمیز و پرهیز از مسدود کردن حالت‌های مختلف «من»، در عوض می‌کوشند باز و دارای خلوص بوده و رابطه آن‌ها بر اساس واقعیات حاضر، واقعیت اینجا و این موقع باشد. تأکید فراوان این نظریه بر تقویت «بالغ» به عنوان مسول اجرایی شخصیت که علاوه بر آثار شناختی، رفتاری و هیجانی موثر آن، منجر به افزایش مسئولیت‌پذیری می‌گردد و شیوه‌های دسترسی به بالغ وحدت یافته و خود مختاری، رها شدن از پیش‌نویس‌های ناکارآمد و توانمندسازی زوجین برای پاسخ‌گویی این زمانی و این مکانی به موقعیت‌ها را به ارمغان می‌آورد. همچنین زوجین از طریق فهم و شناخت پیش‌نویس زندگی می‌توانند آسیب‌های اولیه را بهبود بخشیده، خود را از صحنه‌های قدیمی دوران کودکی رهایی بخشند. با انجام این عمل زوجین امکان می‌یابند که در وضعیت این زمانی، این مکانی به تمام منابع دوران بزرگسالی که در اختیار دارند، تجهیز شوند. از طرفی با توجه به این که پیشینه پژوهش نشان داده تحلیل رفتار متقابل از اثر بخشی مطلوبی برخوردار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل به خوبی تأثیر گذار بوده و توانسته است که سبک‌های عشق‌ورزی زوجین را بهبود بخشد.

ترکان، هـ (۱۳۸۵). بررسی اثر بخشی گروه درمانی به شیوه تحلیل تبادلی بر رضایت زناشویی زوج‌های شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

دانش، ع. (۱۳۸۵). تأثیر روش تحلیل محاوره‌ای در سازگاری زناشویی زوج‌های ناسازگار. چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

سلامت، م. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی با استفاده از روش تحلیل رفتار متقابل بر کاهش تعارضات زناشویی زوجین شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

صادقی، م؛ احمدی، ا؛ بهرامی، ف؛ اعتمادی، ع و صلاحیان، ا. (۱۳۸۸). بررسی اثر بخشی آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر خودپنداره دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان خمینی شهر. مجموعه مقالات دومین همایش سراسری مشاوره، رشد و پویایی. تهران: دانشگاه الزهرا(س).

فرهنگی، ف و آقامحمدیان، ح. (۱۳۸۵). تأثیر روان‌درمانگری گروهی با رویکرد تحلیل رفتار متقابل بر شیوه‌های رویارویی با استرس نوجوانان. مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، دوره هفتم، شماره ۲، صص ۴۱-۶۲.

فیروزبخت، م. (۱۳۸۴). اریک برن بنیانگذار تحلیل رفتار متقابل. تهران: نشر دانژه.

کارلسون، ج و مایر، د، د. (۱۳۸۷). برای زن و شوهرها وقت زندگی بهتر رسیده. ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: نشر دانژه.

مراجعه کننده به مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی.

۳- استفاده از مباحث این شیوه‌های آموزشی در طرح آموزش نیروی انسانی سازمان‌ها، نهادها و ادارات.

### تقدیر و تشکر

به رسم وظیفه بدین‌وسیله از همه زوجین شرکت‌کننده در این پژوهش، مسئولین و کارکنان مرکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی استان لرستان، به‌ویژه مدیر مرکز سرکار خانم بازگیر که نهایت همکاری را داشتند، تقدیر و تشکر می‌شود.

### منابع

استوارت، ی. و جونز، و. (۱۳۸۷). تحلیل رفتار متقابل. ترجمه بهمن دادگستر. تهران: انتشارات دایره.

برن، الف. (۱۳۸۸). تحلیل رفتار متقابل. ترجمه اسماعیل فصیح. تهران: نشر فاخته.

برنشتاین، ف. اچ. و برنشتاین، م. تی. (۱۳۸۴). زناشویی درمانی از دیدگاه رفتاری - ارتباطی. ترجمه سیدحسن پورعابدی نائینی و غلامرضا منشی. تهران: انتشارات رشد.

بک، آ. (۱۳۸۴). عشق هرگز کافی نیست. ترجمه مهدی قراچه داغی. تهران: انتشارات آسیم.

بیات، م. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر ایماگوتراپی بر سبک‌های عشق‌ورزی زوجین شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

- Research in Crime & Delinquency*, 12, (2), 79-91.
- Kanemasa, Y. Junichi, T. Ikuo, D. and Masanori, I. (2004). Love Styles and Romantic Love Experience in Japan. *Social Behavior and Personality*, 32, (3), 265-281.
- Kececi, A. and Tasocak, G. (2009). Nurse Faculty Members Ego States: Transactional Analysis Approach. *Nurse Education Today*, 29, (7), 746-752.
- Kunkel, A. and Burlson, B. (2003). Relational Implications of Communication Skill Evaluations and Love Styles. *The Southern Communication Journal*, 68, (3), 181-197.
- Levine, R. T. Aune, S. K and Park, S. H. (2006). Love Style and Communication in Relationship: Partner Preferences Initiation and Intensification. *Communication Quarterly*, 54, (4), 465-475.
- Levy, M. B. and Davis, K. E. (1988). Lovestyles and Attachment Styles Compared: Their Relations to Each Other and to Various Relationship Characteristics. *Journal of Social and Personal Relationships*, 5, (4), 439-471.
- Mohammadi, M. Esmaily, M. and Nik, A. (2010). The Effectiveness of Group Consultation in the Method of Transactional Analysis over the Student's Communicative Skills. *Social and Behavioral Sciences*, 5, 1490-1492.
- Neto, F. (2007). Love Styles: A Cross-Cultural Study of British, Indian, and Portuguese College Students. *Journal of Comparative Family Studies*, 38, (2), 239-258.
- Nielson, J. D. (2005). *The Relationship between Attachment, Love Styles, and Marital Quality*. Doctoral Thesis. Utah State University.
- Richardson, D. R. Medvin, N. and Hammock, G. (1988). Lovestyle, Relationship, Experience, and Sensation Seeking: A Test of Validity. *Personality and Individual Differences*, 9, (3), 645-651.
- Thao, N. Le. (2005). Narcissism and Immature Love as Mediators of Vertical Individualism and Ludic Love Style. *Journal of Social and Personal Relationships*, 22, (4), 543-560.
- کاکیا، ل. (۱۳۸۶). عشق و ازدواج. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- کرمی، ا و علایی کلجاهی، پ. (۱۳۸۷). مقیاس قصه عشق. تهران: نشر روان‌سنجی.
- نوری، ن و جان بزرگی، م. (۱۳۹۰). رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و نگرش افراد به عشق با ارزش‌های ازدواج. *مجله علوم رفتاری*. دوره پنجم، شماره ۳، صص ۲۲۵-۲۳۳.
- Andrew, B. (2000). *Individuation, Love Styles and Health-related Quality of Life among College Students*. Doctoral thesis. University of Florida.
- Cramer, K. M. Collins, K. A. and Singleton-Jackson, J. A. (2005). Love Styles and Self-Silencing in Romantic Relationships. *Guidance & Counselling*, 20, (3), 139-146.
- Finch, T. M. (1999). *Relationship Satisfaction among Lesbian Couples: The Effects of Fusion and Love Styles*. Doctoral thesis. Miami Institute of Psychology of the Caribbean Center for Advanced Studies.
- Gary, L. M. (2006). *Altered States: Using Transactional Analysis Education to Prevent Conflict Escalation and Violence*. *Dissertation Abstracts Int. Section A: Humanities and Social Sciences*, 67, (4), 1186.
- Gonzaga, G. C. Turner, R. A. Keltner, D. Campos, B. and Altemus, M. (2006). Romantic Love and Sexual Desire in Close Relationships. *Emotion*, 6, (2), 163-179.
- Hatfield, E. (1988). *Passionate and Companionate Love. in the Psychology of Love, ed. R. J. Sternberg and M. L. Barnes*. New Haven, CT: Yale University Press.
- Hendric, C. and Hendric, S. S. (1986). A Theory and Method of Love. *Journal of Personality and Social Psychology*, 50, (2), 392-402.
- Hendric, C. and Hendric, S. S. (1989). Research on Love: Is it Measuring Up? *Journal of Personality and Social Psychology*, 56, (5), 784-794.
- Jesness, C. F. (1975). The Impact of Behavior Modification and Transactional Analysis Oninstitution Social Climate. *Journal of*

## **The Effect of Transactional Analysis Training on Love Styles of Couples**

**\*M. Sadeghi**

PhD Of Family Counseling and lecturer at Lorestan University, Khoramabad, Iran

**S. A. Ahmadi**

Professor, Counseling Department, University of Isfahan, Isfahan, Iran

**F. Bahrami**

Professor, Counseling Department, University of Isfahan, Isfahan, Iran

**O. Etemadi**

Assistant Professor, Counseling Department, University of Isfahan, Isfahan, Iran

**S. R. Pour Seyed**

PhD Student of Exceptional Children Psychology, Allameh Tabataba'i university, Tehran, Iran

### **Abstract:**

The purpose of this study was to examine the effect of transactional analysis training on love styles of couples in Khoram- abad. It was a quasi-experimental design with pre and post-tests and a control group. The population was the couples who referred to counseling centers in Khoram- abad in 2008-2009. The sample consisted of 30 couples (60 persons) who were randomly selected, and assigned to two experimental and control groups. The couples in the experimental group received transactional analysis training, and at the end, both groups took a post-test. Lee's love styles questionnaire was used as the measuring instrument. The results of analysis of covariance showed that transactional analysis training significantly affected eros, storge, pragma, mania and agape love styles ( $p < 0.05$ ). However, it did not significantly affect ludus love style ( $p > 0.05$ ). Therefore, it can be concluded that transactional analysis training seems to be able to improve eros, storge, pragma, mania and agape love styles of the couples.

**Keywords:** love styles, transactional analysis, couples training